

# ده عامل مؤثر در ایجاد انگیزه

زهرآقا اشرافی

آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی شهرستان گرمسار

در چارچوب کلاس درس، علاقه، توجه، تمرکز و پشتکار خصوصیات انگیزه‌بخش هستند. در کلاس، معلم مستقیم با این جنبه‌های انگیزشی سروکار دارد؛ مثلاً اگر دانش‌آموزی به درس توجه نکند، به گفته‌ها و راهنمایی‌های معلم وقعی ننهد و تکلیف‌های خود را انجام ندهد، به طبع یاد دادن مطلب به او بسیار دشوار خواهد بود.

مؤلفه‌های انگیزشی دیگری نیز وجود دارند که در درازمدت خود را نشان می‌دهند و معلمان به آن‌ها نیز باید بپردازند؛ مثلاً معلم دبستان نه تنها می‌خواهد دانش‌آموزانش به درس توجه کنند، بلکه مایل است به آنان بیاموزد که چگونه در زندگی آینده‌ی خود نیز از خواندن لذت ببرند. معلم تاریخ نیز نه فقط علاقه‌مند است که شاگردان درس‌های او را بیاموزند، بلکه امیدوار است این شاگردان در آینده نیز رویدادهای

اجتماعی و تاریخی را دنبال کنند. در ادامه، درباره‌ی اینکه چه عواملی بر انگیزه در کلاس درس می‌افزایند و چگونه می‌توان از این عوامل در کلاس استفاده کرد، سخن می‌گوییم. کاربرد این عوامل معمولاً نیازی به دگرگون کردن برنامه‌ی کلاس ندارد و بیشتر اوقات خود معلم در کلاس از عهده‌ی اجرای آن‌ها برمی‌آید. مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از:

## ۱ تشویق لفظی

در بسیاری از موارد حتی تشویق مادی، به اندازه‌ی تشویق لفظی معلم، در برانگیختن شاگرد مؤثر نیست. به کاربردن کلمات ساده‌ای نظیر «خیلی خوب»، «عالی»، «آفرین» که به دنبال پاسخ درست یا رفتار مطلوب شاگرد می‌آیند، وسیله‌ی بسیار مؤثری در افزایش انگیزش شاگردان است. تشویق لفظی در حقیقت ساده‌ترین و طبیعی‌ترین وسیله‌ی بالابردن سطح انگیزش شاگردان به حساب می‌آید.

## ۲ سنجش و ارزشیابی صحیح

در سال‌های اخیر، عده‌ی زیادی در مورد اینکه آیا وادار کردن دانش‌آموزان به یادگیری برای گرفتن نمره ارزشی دارد یا نه، بحث بسیار کرده‌اند.

گروهی که مخالف آزمون و نمره‌دادن هستند، استدلال می‌کنند که آزمون‌ها یادگیرنده را از مسیر اصلی یادگیری منحرف می‌کنند، باعث اضطراب او می‌شوند، به ناکامی علائق او می‌انجامد و نظام ارزش‌های او را به هم می‌زنند.

به عقیده‌ی این گروه نمره‌دادن در معلم نیز تأثیر نامطلوبی دارد؛ زیرا سبب می‌شود معلم قضاوت‌های غیرعادلانه‌ی بسیاری از خود نشان دهد که فقط بر پایه‌ی نمره‌ی شاگرد بنا شده است. علاوه بر آن، نمره‌دادن باعث می‌شود معلم روابط گرم و صمیمانه‌ی خود را با شاگردان از دست بدهد. این گروه همچنین عقیده دارند شاگردان بالاخره به نامتغیر بودن نمرات پی می‌برند.

دانش‌آموزان می‌فهمند که نمره تأثیری در یادگیری ندارد، ولی مجبورند برای نمره درس بخوانند. بنابراین، تأثیر نمره در انگیزش یادگیری زیاد است؛ ولی یادگیری را از مسیر مطلوب خود منحرف می‌کند.

مدافعان سنجش و ارزشیابی جواب می‌دهند که ارزشیابی و نمره که وسیله‌ای برای ارزشیابی است، یک حقیقت غیرقابل اجتناب زندگی است. ما نمی‌توانیم ارزش و اهمیت چیزی را بدون دادن نمره یا ارزشی به آن دریابیم و قدردانی کنیم. بعضی آزمایش‌ها نشان داده‌اند که امتحانات متعدد سبب می‌شوند دانش‌آموزان انگیزش بالایی پیدا کنند و موفقیت تحصیلی بیشتری به دست آورند (ابراهیمی، ۱۳۸۷).

واقعیت این است که در امر ارزشیابی باید به تفاوت‌های فردی توجه کنیم و به دانش‌آموزان اعتمادبه‌نفس دهیم تا بدانند ارزشیابی برای مقایسه و سنجش یکی با دیگری نیست؛ بلکه آموزش و ارزشیابی دو فرایند درهم تنیده‌اند. هر نوع ارزشیابی فقط به‌منظور تصمیم‌های مهم در وضعیت آینده‌ی دانش‌آموزان صورت می‌گیرد. بنابراین ارزشیابی باید به صورت مستمر باشد و طی سال انجام شود. چند نمونه ارزشیابی پیشنهاد می‌شود:

۱. پرسش‌های کلاسی و آزمونک‌ها؛





● نبودن بازخوردهای به موقع در کلاس؛  
● حضور دانش آموز در کلاسی که دیگر دانش آموزان آن، از نظر استعداد، در سطح پایین تری قرار دارند.

### ۱۰ قدرت و جایگاه معلمی

قدرت اجتماعی می تواند به شکل پاداش دادن یا قدرت اجرایی، قدرت قانونی، قدرت سرمشوق بودن و قدرت تخصص و کارایی خودنمایی کند. منظور از قدرت پاداش، داشتن قدرت مدیریت در پاداش دادن به دیگران است. این قدرت را می توان در روابط بین رئیس و مرئوس، شاگرد و معلم، والدین و فرزندان مشاهده کرد. در تمام این موارد، یک شخص می تواند اشخاص دیگر را با اضافه حقوق، نمره یا از طریق کلام تشویق کند.

قدرت اجرایی در حقیقت همان قدرت تنبیه است. قدرت قانونی نیز مبتنی بر قوانین، مقررات و رسوم اجتماعی است که بر اساس آن ها یک فرد اجازه می یابد بر رفتار اشخاص دیگر نظارت کند.

تجزیه و تحلیل این قدرت ها نشان می دهد که فرد می تواند، با استفاده از قدرت سرمشوق بودن، رفتار دانش آموزان خود را تحت تأثیر قرار دهد. شناخت این قدرت ها به معلم امکان می دهد، با استفاده صحیح و به موقع از آن ها، انگیزش دانش آموزان را در مسیر مطلوب و مورد نظر هدایت کند.

اطلاع دقیق و عمیق معلم از موضوع درس نیز نقش مهمی در بالابردن انگیزش در کلاس دارد؛ زیرا کمبود معلومات معلم سبب می شود شاگردان باهوش چنین کمبودی را به سرعت دریابند و دیگر توجه لازم را به درس نداشته باشند.

کرد که دانش آموزان توجهشان بیشتر به موضوع جلب شود؛ مثلاً اگر هدف تدریس یاددادن دو مفهوم «عرضه و تقاضا» در اقتصاد باشد، بهتر است ابتدا برای درک آن مفهومیها از مثال های آشنا، مثل عرضه و تقاضای خودرو، استفاده کرد؛ ولی برای بیان «کاربرد» آن مفاهیم بهتر است از زمینه های غیرعادی، مثل عرضه و تقاضای هواپیماهای جنگی، استفاده کرد.

### ۷ کاربرد مطالب آموخته شده

این کار سبب می شود مطالب آموخته شده قبلی تقویت شوند. همچنین دانش آموز می فهمد آنچه آموخته است، در آینده مورد استفاده ای او قرار خواهد گرفت. بنابراین در یادگیری فقط آموختن مسائل جدید مطرح نیست، بلکه مطالب آموخته شده قبلی نیز باید در زمینه ای فعلی تکرار شوند تا دانش آموزان بتوانند آن ها را بهتر به خاطر بسپارند.

### ۸ نمایش و بازی

بازی ها و نمایش ها دانش آموزان را بر می انگیزانند، تعادل را افزایش می دهند، تصویرهای روشنی از واقعیت های زندگی در برابر آن ها قرار می دهند و سبب می شوند دانش آموزان در یادگیری به طور مستقیم شرکت جویند. بسیاری از درس های کلاسی را می توان به صورت نمایش درآورد؛ مثلاً برای آنکه بچه ها بیاموزند یک سازمان چگونه اداره می شود، می توان آن ها را به سمت های گوناگون اداری منصوب کرد و از آنان خواست، به مدت یک ساعت، سازمان تشکیل شده را اداره کنند.

### ۹ محیط آموزشی مطلوب

حضور و شرکت مستقیم خود دانش آموزان در فرایند یادگیری مطالب درسی باید تقویت شود. عوامل یا حوادثی که این مشارکت را ناخوشایند می سازند، باید به حداقل برسند. برخی از این عوامل عبارتند از: - ناراحتی جسمی ناشی از نشستن در کلاس به مدت طولانی یا دشواری دیدن تخته سیاه - ناتوانی معلم در تقویت رفتارهای مطلوب، هنگام سنجیدن مطالب آموخته شده ی پیشین؛

● تدریس مطالبی که بالاتر از سطح درک و استعداد دانش آموزان است؛

۲. ارزشیابی از تکلیف ها؛ ۳. ارزشیابی فعالیت های کلاسی.

### ۳ کنجکاوی، جست و جوی و اکتشاف

محرک هایی که تازه، پیچیده و شگفت انگیز باشند، میزان انگیزش را در یادگیرنده بالا می برند. چنین محرک هایی باعث نوعی تعارض ذهنی در او می شوند که نتیجه ی آن افزایش انگیزش برای رفع این تعارض است؛ مثلاً در آزمایش انبساط اجسام، گلوله ای فلزی از داخل یک حلقه فلزی می گذرد، حال اگر گلوله را گرم کنیم، دیگر از حلقه نمی گذرد. همین موضوع چون باعث ایجاد شگفتی در دانش آموز می شود، او را وا می دارد که علت این اتفاق را کشف کند.

ایجاد شک و دودلی نیز عاملی در ایجاد انگیزش برای یادگیری است؛ مثلاً از شاگردان پرسیم: «آیا مجموع زوایای داخلی هرمی برابر ۱۸۰ درجه است یا نه؟» در همه ی این موارد نوعی کنجکاوی ادراکی ایجاد می شود. انگیزش تا زمانی ادامه می یابد که یا تعارض حل شود یا دانش آموز از به دست آوردن جواب خسته و ناامید شود. بنابراین، باید در نظر داشت که مسئله های مطرح شده چنان مشکل نباشند که بچه ها از به دست آوردن جواب ناامید شوند.

### ۴ فعالیت های غیرمنتظره

تغییر روش معمول و عادی معلم در کلاس ممکن است عاملی برای برانگیختن شاگردان باشد؛ مثلاً معلم می تواند ناگهان پیش نهاد کند که کلاس درس در هوای آزاد تشکیل شود.

### ۵ مطالبی با مثال های آشنا

وقتی پای مثال زدن در میان باشد، استفاده از مطالبها و موضوعات آشنا به مراتب بهتر از مطالب نامأنوس و ناشناخته است؛ مثلاً اگر در مسئله های حساب و هندسه از نام دانش آموزان کلاس استفاده شود، انگیزش و توجه بیشتر خواهد شد. همچنین استفاده از اشیای موجود در کلاس یا در مدرسه، برای ارائه مثال هایی از اجسام هندسی و... مطلوب تر از استفاده از اجسام ناآشناست.

### ۶ ارائه ی مثال های غیرعادی

برای ایجاد انگیزش در یادگیری باید کاری